

افزایش ۵۰ ساله‌هایی که ازدواج نمی‌کنند

بعضی آمارها نشان می‌دهند ۳۰۰ هزار زن و ۱۰۰ هزار مرد در وضعیت مجرد قطعی قرار دارند و ۱۳ درصد خانوارهای ایرانی تک‌نفره‌اند.



بعضی آمارها نشان می‌دهند ۳۰۰ هزار زن و ۱۰۰ هزار مرد در وضعیت مجرد قطعی قرار دارند و ۱۳ درصد خانوارهای ایرانی تک‌نفره‌اند.

به گزارش ایسنا، روزنامه **همشهری** نوشت: «۴۰۰ هزار ایرانی در مجرد قطعی به سر می‌برند که ۳۰۰ هزار نفر از آنها زن و ۱۰۰ هزار نفر هم مرد هستند. از ۲۵ میلیون خانوار ایرانی هم ۱۳ درصدشان تک‌نفره‌اند اما چهار درصد از این جمعیت، مجرد اختیاری دارند و ۹ درصد دیگر امکان ازدواج ندارند.» این آمار غیررسمی است درباره کسانی که ۵۰ سالگی را رد کرده و دیگر تمایلی به ازدواج ندارند. البته خبرگزاری ایرنا هم اردیبهشت امسال از کاهش ثبت ازدواج در ایران خبر داده و نوشته بود: «میزان ثبت شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ نشان می‌دهد تعداد ازدواج‌ها روندی کاهشی داشته و این رقم بیش از ۲۶ درصد افت دارد.» البته به تأکید برخی جامعه‌شناسان با افزوده شدن افرادی که بعد از طلاق دیگر ازدواج نمی‌کنند، آمار تجردهای قطعی به پنج میلیون نفر هم افزایش خواهد یافت. در این باره عواملی از جمله کم‌گرای، افزایش استانداردهای ازدواج، فرهنگ‌های غلط و فرآیندهای مهندسی نشده مانند تحصیلات عالی و اشتغال، مسائل اقتصادی و فرهنگی، تأکید بر رعایت سنت‌هایی از جمله مهریه، جهیزیه و ... مطرح می‌شود که میل به ازدواج را در جامعه ایرانی کاهش داده است؛ هر چند که ارقام اعلام شده را برخی جامعه‌شناسان تأیید نمی‌کنند و می‌گویند طی دهه‌های اخیر آمار مجرد افراد بالای ۵۰ سال تغییر چندانی نداشته، درباره آقایان همچنان دو درصد است و درباره زنان با کمی افزایش به چهار درصد رسیده، اما بیان این آمارها به جای تمرکز بر اصلاح زیرساخت‌ها و ترویج ازدواج آسان، آسیب‌عادی‌انگاری را به همراه خواهد داشت.

فردیت افراطی و مجرد قطعی

«طبق آماري که در اختیار داریم افرادی که در مجرد قطعی به سر می‌برند به ۴۰۰ هزار نفر رسیده‌اند؛ ۳۰۰ هزار زن و ۱۰۰ هزار مرد.» صالح قاسمی، پژوهشگر حوزه جمعیت، با بیان این مطلب درباره افزایش تمایل افراد به مجردماندن می‌گوید: «در دهه ۶۰ و ۷۰، ایران با بحران مضیقۀ ازدواج روبه‌رو شد. دلیل آن هم این بود که تعداد مردهایی که در سن مقابل خانم‌ها برای ازدواج وجود داشت، کم شد و این امر فرصت ازدواج را از خانم‌ها سلب کرد اما امروز در کشور با بحران مضیقۀ ازدواج روبه‌رو نیستیم.» او کم‌گرای را یکی از عوامل مجردماندن افراد عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: «برخی فرهنگ‌های غلط و فرآیندهای مهندسی نشده مانند تحصیلات عالی و اشتغال معمولاً میل زنان به ازدواج را کم می‌کند و استانداردها و سطح توقع آنها را در مقوله ازدواج بالا می‌برد. البته مجرد قطعی علاوه بر ریشه‌های جمعیت‌شناختی یعنی ایجاد تعادل در تعداد فرزندان دختر و پسر، ریشه‌های فرهنگی نیز دارد، یعنی به دلیل فرهنگسازي‌های نادرست که استانداردهای ازدواج را افزایش می‌دهد، افراد در فرصت مناسب ازدواج نمی‌کنند و در معرض مجرد قطعی قرار می‌گیرند.»

این پژوهشگر به تفاوت مجرد قطعی با مجرد اختیاری اشاره می‌کند و می‌گوید: «تجرد اختیاری یعنی افرادی که با اختیار خود تصمیم به ازدواج ندارند و قصد دارند مجرد زندگی کنند. هم‌اکنون در ایران ۲۵ میلیون خانوار داریم که بر اساس داده‌ها نزدیک به ۱۳ درصد آنها تک‌نفره هستند، یعنی خانواده‌هایی که تعداد اعضای آنها به دلیل هرگز ازدواج نکردن، طلاق یا فوت همسر، یک نفره باقی مانده است. از این ۱۳ درصد، چهار درصد کسانی هستند که مجرد اختیاری دارند اما ۹ درصد باقیمانده کسانی هستند که تمایل به ازدواج دارند اما امکان ازدواج برای آنها وجود ندارد.»

او تأکید می‌کند: «در مجموع اگر نگاه کنیم، تعداد جوانانی که در سنین متعارف ازدواج، تصمیم اختیاری برای مجرد می‌گیرند، زیاد نیست و حتی بیش از دو درصد از کل خانوار را تشکیل نمی‌دهد. طبق آمار، این افراد حداکثر ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر می‌شوند که این تعداد در مقابل سایر گروه‌ها آمار چشمگیری نیست.»

قاسمی به اهمیت مسائل فرهنگی و فردیت افراطی بر مجرد قطعی هم تأکید می‌کند و ادامه می‌دهد: «در راه حل برای کاهش آمار مجرد قطعی، مسائل اقتصادی و فرهنگی دخیل هستند؛ چه بسا که نگرش‌های فرهنگی و سبک زندگی، تأثیرگذارتر از مسائل اقتصادی است. انسان بر اساس روح حاکمی که در دنیا شکل گرفته، متمایل بر فردیت و فردگرایی افراطی شده و همه چیز را در منیت می‌بیند. در قانون جوانی جمعیت، راهکارهای اقتصادی وجود دارد که تا حدودی اجرا شده اما در کنار آن باید در پیوست‌های رسانه‌ای و فرهنگی تلاش کنیم تا اصالت و اهمیت خانواده و تشکیل خانواده در ایران پابرجا بماند.»

جمعیت چندمیلیونی مجردهای قطعی

البته به تأکید فعالان حوزه اجتماعی، با افزایش جمعیت زنان و مردانی که طلاق گرفته و تمایلی به ازدواج دوباره ندارند، آمار جمعیت مجردهای قطعی کشور به بیش از پنج میلیون نفر هم می‌رسد. امیرمحمود حریرچی، آسیب‌شناس اجتماعی و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در این باره می‌گوید: «اگر سن دختران و پسران از ۲۵ سال بگذرد و تا این سن ازدواج نکرده باشند، با توجه به اینکه احتمال ازدواجشان پایین می‌آید، احتمال اینکه مجرد باقی بمانند هم بسیار زیاد است و مجرد قطعی خواهند داشت.»

حریرچی درباره آمار مجرد زنان هم می گوید: «حدود ۲۶ درصد از جمعیت زنان را طیف سنی ۱۵ تا ۳۴ سال تشکیل می دهند که هنوز ازدواج نکرده اند. همچنین حدود ۲۰۳ درصد از زنان بالای ۴۵ سال در گروه مجرد قطعی قرار دارند. باید به آمار مجرد قطعی در کشور، زنان و مردانی را هم که طلاق گرفته اند و دوباره ازدواج نکرده اند اضافه کنیم. در این صورت آمار مجردان قطعی به بیش از پنج میلیون نفر خواهد رسید و حتما از سال ۹۹ تا به امروز به تعداد جوانانی که مجرد قطعی داشته و خانواده مستقلی ندارند، اضافه شده است.»

اصلاح زیرساخت ها ضروری تر از بیان آمار

اما افزایش تجردهای قطعی و بیان این آمارهای چند صد هزار و چند میلیون نفری را شهلا کاظمی پور، جمعیت شناس و استاد دانشگاه تهران، تأیید نمی کند. او به همشهری می گوید: «به نظر نمی رسد که تغییر چندانی در کاهش آمار ازدواج در ایران وجود داشته باشد. بررسی ها نشان می دهد که هم اکنون حدود دو درصد از مردان و چهار درصد از زنان در رنج سنی ۴۹ تا ۵۰ سال مجرد باقی مانده اند. آمار ازدواج مردان طی دهه های اخیر روی همین دو درصد باقی مانده و تنها همین بخش از جمعیت به دلایل مختلف تمایلی به ازدواج نداشته اند اما درباره زنان با کمی افزایش به چهار درصد رسیده است.»

به گفته کاظمی پور درباره زنان بحث تأخیر در ازدواج وجود دارد و نفی ازدواج به معنای مجرد قطعی مطرح نیست: «یک رویکرد متفاوت در زنان رخ داده که آنها ازدواج را به بعد از دوران تحصیل و داشتن یک شغل مناسب موکول می کنند اما توجهی ندارند که چنین رویکردی می تواند آسیب هایی هم داشته باشد؛ از جمله اینکه شانس ازدواج را به شدت کاهش دهد.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا میل به ازدواج در گروه های سنی مختلف به ویژه متولدان دهه های ۶۰ و ۷۰ کاهش پیدا کرده، می گوید: «این دو گروه سنی هنوز به ۵۰ سال نرسیده اند و شاید تا آن زمان ازدواج برایشان محقق شود. بنابراین مجرد قطعی درباره آنها مطرح نیست. البته درباره دهه شصتی ها شانس ازدواج کاهش پیدا کرده است. جوانان ما امروز با اینکه تصورات غربی در روابط دارند اما سنت ها را هم رها نکرده و انتظارشان این است که جهیزیه و مهریه بالا هم داشته باشند.»

این جمعیت شناس، مشکلات اقتصادی را دلیل اصلی تأخیر در ازدواج نمی داند و تأکید می کند: «اینطور عنوان می شود که دختران بدون تمکن مالی از قافله ازدواج عقب مانده اند اما آمارها نشان می دهد که دختران شاغل هم هنوز مجردند. بنابراین صرف اینکه کاهش میل به ازدواج را به مسائل اقتصادی ربط دهیم، صحیح نیست و تغییر در تفکرات و فرهنگ خانواده ها هم بر این مسئله اثر گذاشته است.»

این استاد دانشگاه درباره آسیب های مجرد قطعی هم می گوید: «در وهله اول جدی ترین آسیب برای خود فرد است. ذات انسان دوستدار تشکیل خانواده است و در صورتی که محقق نشود، می تواند مشکلات روحی و روانی برای او به وجود آورد. بر فرض اینکه از نظر اقتصادی هم مشکلی نداشته باشند اما در محیط اجتماعی و در سنین بالا تنها خواهند ماند که خود عامل مشکلات روانی و اجتماعی است. برخی از جامعه زنان ایران به دنبال این هستند که بعد از ارتقای موقعیت اجتماعی، ازدواج کنند اما در حقیقت نوعی فرصت سوزی را درباره خودشان رقم می زنند.»

کاظمی پور معتقد است اعلام این آمارها درباره تجردهای قطعی نه تنها منجر به اصلاح ساختار نمی شود بلکه می تواند عادی انگاری هایی را هم رقم بزند و منجر به ناسی دیگر افراد شود: «در اعلام چنین اعدادی علاوه بر کسانی که به ۵۰ سالگی رسیده اند، افراد مطلقه و همسر فوت شده هم که در سنین بارداری هستند، گنجانده می شوند و آمارها را افزایش می دهند اما بهتر است به جای اعلام این آمارها به فکر اصلاح زیرساخت ها باشیم و البته گسترش فرهنگ ازدواج آسان.»